

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هفتم، شماره ۲۶، زمستان ۱۳۹۴

صفحات: ۶۴ - ۵۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۲/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۵

جنسیت در شعر پروین اعتصامی

مهناز سادات حسینی*

چکیده

«پروین اعتصامی» در میان اهل ادبیات به «زنی که مردانه شعر می گوید» شهرت دارد، شاعری که سروده‌هایش بیش از هر چیز صبغهی اخلاقی دارد. شعر پروین به دلیل وجود واژه‌ها و عباراتی که به طور کلی در ارتباط با زن معنای بیشتری دارند و نشان‌دهنده‌ی مهارت‌های زندگی زنانه در شعر یک زن می‌باشد نمی‌تواند مردانه تلقی شود از سوی دیگر خالی بودن اشعار این شاعر از واژه‌هایی مانند: عشق، معشوق، یار، بوسه و ... که می‌تواند حاصل زبان و رفتار طبیعی زنی جوان باشد نشان‌دهنده‌ی تفاوت‌های فکری و رفتاری او با دیگر زنان شاعر می‌باشد. بدیهی است که پروین چونان زنان دیگر از احساسات زنانه برخوردار بوده اما به دلیل پای‌بندی به آیین‌های قومی و خانوادگی از ابراز احساسات خود خودداری کرده است. بنابراین می‌توان شعر پروین را غیرجنسی نامید که آن چه در شعر او به شدت احساس می‌شود تنهایی زنی است که احساسات و بخصوص جنسیت خود را سرکوب می‌کند و در پشت اشعارش پنهان می‌شود.

کلید واژگان: پروین اعتصامی، جنسیت، شعر.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر دبیرستانهای آموزش و پرورش شهرستان فیروزکوه، استان تهران. (نویسنده مسئول، ایمیل:

mahnaz_s_hosseiny@yahoo.com)

مقدمه

بی تردید ادبیات اقیانوسی است بیکران، گلستانی به وسعت انسان و آسمانی که هر چه چشم بچرخانی و اندیشه بدوانی پایانش نیست؛ در این پهنه‌ی کران ناپیداتی چند از بانوان شاعر، ادیب و عارف گوهرها از این اقیانوس و دامن دامن گل از این گلستان و سبد سبد ستاره از این آسمان به ما بخشیده و رفته‌اند. اما هیچ‌گاه تاریخ ادبیات ایران آنان را فراموش نخواهد کرد؛ از میان آنان «پروین اعتصامی» گل سر سبد شاعران زن و مهم‌تر از آن بزرگترین شاعر آموزگار اخلاق در میان زنان مسلمان می‌باشد که در یلستان ادب این سرزمین مردان بسیاری را هم‌اورد است و چه نیکو گفته است:

«انسانی دیگر، بانویی دیگر، شاعری دیگر، بادید گاهی دیگر، شیوه‌ای دیگر و جایی دیگر که خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود» (صبور، ۱۳۸۳، ص ۱۵۲).

و برآستی که از لحاظ سبک و اندیشه و شیوه دیگر است.

«بی‌جهت نیست که حتی زیانویسان نیز از بیش سخن گفتن در باب او احتراز کرده و به همین مقدار اکتفا کرده‌اند که او «حکیم بانوی شعر ایران» است (فیضی، ۱۳۸۳، ص ۲۶).

در دیوان این شاعری همال و ویژگی‌هایی دیده می‌شود که در دیوان سایر شاعران زن مشاهده نمی‌شود. یکی از این ویژگی‌های متفاوت، زبان جنسی شعر پروین است. در این مقاله به تحلیل و بررسی زبان جنسی شعر پروین پرداخته می‌شود که آیا زبان جنسیتی در شعر او محسوس است یا خیر و اگر وجود دارد به چه شکلی پدیدار شده است.

زنانگی در شعر پروین

در بررسی نقش زن در ادبیات ایران بیش از هر علتی نقش عشق در وجود او و تجلی آن در شعر سبب ایجاد انگیزه برای سرودن شعر می‌شود و واژه‌ها زبان دل او را به نظم می‌کشند. اگرچه محتوای اشعار غنایی شاعران مرد هم حاکی از همین موضوع است اما بطور کلی به شهادت تاریخ در مورد شاعران زن این نگرش حاکم است که زنان جز عشق حرف دیگری نداشته و ندارند اما پروین در میان اهل ادبیات به «زنی که مردانه شعر می‌گوید» شهرت دارد و حتی برخی منتقدان معاصر او، شاعری پروین را انکار می‌کردند و اشعار او را به شاعری مرد نسبت می‌دادند که به خاطر موقعیت پدر ادیبش به نام پروین شعر گفته است.

«و با وجود این که پروین آثار خود را به نام خود تخلص می‌کرد، خوانندگان باور نمی‌کردند که سراینده‌ی این اشعار از جنس زن باشد، بنابراین پروین در یک دویستی زن بودن خود را اعلام کرد. این نکته که اغلب به استحکام شعر پروین و گاه مردسالاری جامعه که چگونه شعر محکم را از زن باور نمی‌کند نسبت داده شده است، شاید یک تعبیر دیگر هم داشته باشد. شاید بتوان گفت که در آن زمان خوانندگان جریده‌ها نیز کم‌کم به شعرهای «شخصی» جدید خو می‌گرفتند و صدای شاعر را از لابلای سطور شعر تمیز می‌دادند و صدای پروین را زنانه نمی‌یافتند.» (داوران، ۱۳۶۸).

اگر چه نظریه مردانه بودن اشعار پروین، تفکرات جامعه‌ی مردسالار را می‌نمایاند که مردان را با عقل و

منطق و زنان را با احساسات و عواطف می‌سنجند و به قول استاد دانشمند دکتر زرین کوب «زنی مردانه در قلمرو شعر و عرفان!» (قدمیاری، ۱۳۸۷، ص ۹۸).

اما «همزمان با پروین زنان شاعری چون بدری تندری، شمس الضحی نشاط، نوری الهدی منگنه، سرور مهکامه محمص و ... شعر می‌سرودند و در این راه پیرو سنت‌ها و قراردادهای بودند. درون مایه و مضامین شعر آنها کهنه و تکراری بود و سخت در بند سرودن عاشقانه‌های زمینی و آسمانی، مداح صاحبان قدرت و پیرو فرهنگ مسلط مدرنیسم بودند.» (کراچی، ۱۳۸۳، ص ۳۰).

البته اگر او هم به مضامین تکراری عاشقانه اکتفا می‌کرد و بازبان مرسوم زمان خود شعر می‌سرود بی‌شک در حد همان معاصرانش باقی می‌ماند. در این خصوص دلایل مستدلی وجود دارد که به شرایط زندگی و طرز فکر شاعر مربوط می‌شود که به شرح زیر است:

پرتکرارترین واژه‌هایی که شاعر به تکرار از آن‌ها استفاده کرده نشان می‌دهد که وجود آن محسوسات را دائم در کنار خود حس می‌کرده است و خواسته یا ناخواسته ارتباطی تنگاتنگ با آن‌ها داشته است، کاربرد اشیاء و محسوساتی که در اطراف یک زن به طور معمول قرار دارند و مفاهیمی که به طور کلی نشان‌دهنده مهارت‌های زندگی زنانه است و می‌تواند نشانگر زبان شعری زنانه‌ای باشد که البته به خود پروین اختصاص دارد. واژگانی چون: نخ و سوزن، وصله و جامه، هیزم و مطبخ، دیگ و تابه، بره و مرغ، نخود و لوبیا، سیر و پیاز، ماش و عدس، سفره و نان، دختر و مادر، که بر زبان زنانه‌ی شاعر دلالت می‌کند و همچنین واژه‌هایی چون: گوشواره، قبا، شانه، گل‌بند، چادر، دامن، نقاب، یاره، پاتابه و غیره که به نوعی به زن ارتباط دارند در دیوان او کم نیست که می‌تواند به طور کلی ادعای مردانه بودن را در شعر پروین رد کند.

علاوه بر این دیوان این بانوی شاعر مملو از اشعاری است که در حمایت از حقوق زنان و اهمیت ایشان سروده است و در خلال این اشعار به طرفداری از زنان، دختران و مادران پرداخته است. وی در قطعه‌ی «دو محضر» فقط یک روز غیاب زن در خانه را به نمایش می‌گذارد و بدین ترتیب ثابت می‌کند که غیبت زن در خانه سبب از هم گسستن شیرازه‌ی زندگی می‌گردد، دلیل این غیبت زن هم نارضایتی قاضی از سختی کارش در بیرون از خانه است و اینکه معتقد است همسرش در خانه به طور مداوم در حال استراحت است در حالی که قاضی در دادگاه «گرفتار هزاران شور و شر» است و زن از حاصل دسترنج او بدون زحمت بهره می‌برد:

| | |
|----------------------------|---------------------------|
| تو زسرد و گرم گیتی بی‌خبر | من گرفتار هزاران شور و شر |
| تو غنودی من دویدم روز و شب | کاستم من توفزودی ای عجب |
| ریختم بهر تو عمری آبرو | توجه کردی از برای من بگو |

(اعتصامی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۴، مثنوی دوم محضر)

شاعر نشان می‌دهد که قاضی‌ای که عمری قضاوت نابجا کرده باز هم دچار قضاوت نادرست شده است و زن را متهم می‌کند که کار مفیدی در خانه انجام نمی‌دهد. به همین دلیل زن باذکاوت خانه را

ترک می کند و در نتیجه خانه آشوب می شود؛ خادم، طبخ، فراش، باغبان، دربان، دایه و ناظر به جان هم می افتند و مرتب از دست هم شکایت به نزد قاضی می برند و کودکان هم آزادانه هر کاری دلشان می خواهد انجام می دهند.

| | |
|---|---|
| <p>محضراست اما دگرگون محضراست آشنا با این چنین محضر نبود باید رفتن گه محضر گذشت گفت دیدی آن چه گفتم راست بود؟ لیک آن در خانه درماتندی ز کار هر کجا راهیست رهپویش هست (اعتصامی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۵)</p> | <p>دید قاضی خانه پرشور و شراست کار قاضی جز خط و دفتر نبود گفت زین جنگ و جدل سرخیره گشت چون ز جابر خاست زن در را گشود توبه محضر داوری کردی هزار هر که بینی رشته ای دارد به دست</p> |
|---|---|

با بیان این شعر زیبا پروین بهترین تصویر را از نقش زن در خانواده و لزوم مدیریت او در منزل به تصویر می کشد.

در قطعه‌ی دیگر با عنوان «زن در ایران» گذشته‌ی زن ایرانی را که جز «تیره روزی و پریشانی» نبود نشان می دهد و اظهار می دارد که اگر زن تا آن زمان به دنبال فضیلت و هنر نرفته است از «پستی و گرانجانی» او نبوده است بلکه به این دلیل بوده است که «نور دانش را از چشم زن نهان می داشتند».

| | |
|--|--|
| <p>پیشه اش جز تیره روزی و پریشانی نبود در دبستان فضیلت زن دبستانی نبود ... این ندانستن ز پستی و گرانجانی نبود (اعتصامی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۷)</p> | <p>زن در ایران پیش از این گویی که ایرانی نبود در عدالت خانه‌ی انصاف زن شاهد نداشت ... نور دانش را از چشم زن نهان می داشتند</p> |
|--|--|

«پروین بعد از کشف حجاب (در سال ۱۳۱۳) زنان را که - چهار نعل به سوی تقلید از مُد لباس و بعضی آرایش‌های آن چنانی می تاختند - از تقلید بر حذر داشته و آب و رنگ مطلوب برای زن را علم دانسته است.» (چاووش اکبری، ۱۳۸۷، ص ۲۷).

| | |
|---|---|
| <p>بهر زن تقلید، تیه فتنه و چاه بلاست زیرک آن زن کور هوش این راه ظلمانی نبود (اعتصامی، ۱۳۷۲، ص ۲۵۸)</p> | <p>شعر دیگری که به زیبایی سیمای زن نکورانشان می دهد قطعه‌ی «فرشته‌ی انس» است:</p> |
|---|---|

| | |
|--|---|
| <p>در آن وجود که دل مُرد مرده است روان برای مرد کمال و برای زن نقصان ز مادرست میسر بزرگی پسران</p> | <p>در آن سرای که زن نیست انس و شفقت نیست به هیچ مبحث و دیباچه‌ای ننوشت همیشه دختر امروز مادر فرداست</p> |
|--|---|

| | |
|---|-------------------------------------|
| <p>سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان (اعتصامی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۵)</p> | <p>برای گردن و دست زن نکو پروین</p> |
|---|-------------------------------------|

می‌بینیم که زن از نظر پروین - چون شخص خود او - موجودی قدسی، قادر به فاضل شدن و آفرینش نیکی‌ها و فرزندان برومند است.

«پروین در خرداد ماه ۱۳۰۳ خورشیدی در خطابه‌ای با عنوان «زن و تاریخ» در روز جشن فارغ‌التحصیلی خود در مدرسه‌ی «انائیه‌ی امریکایی تهران» از ستمی که در قرون و اعصار در شرق و غرب به زنان روا داشته‌اند سخن گفت و تصریح نمود:

«سرانجام زن پس از قرن‌ها در ماندگی، حق فکری و ادبی خود را بدست آورد و به مرکز حقیقی خود نزدیک شد... در این عصر، مفهوم عالی «زن» و «مادر» معلوم شد و معنی روح بخش این دو کلمه که مؤسس بقا و ارتقای انسان است پدیدار گشت... امیدواریم به همت دانشمندان و متفکرین، روح فضیلت در ملت ایجاد شود و با تربیت نسوان اصلاحات مهمه‌ی اجتماعی در ایران فراهم گردد. در این صورت بنای تربیت حقیقی استوار خواهد شد و فرشته‌ی اقبال در فضای مملکت سیروس و داریوش، بال گشاهی خواهد کرد.»

پروین اعتصامی در همین جلسه شعر «نهال آرزو» را که برای جشن فارغ‌التحصیلی کلاس خود سروده بود خواند. شعری که همان دختر شرمگین و آرام و کمر و در آن فریاد برآورد که «از چه نسوان از حقوق خویشتن بی‌بهره‌اند؟»

در شماره‌ی ششم نشریه‌ی عالم نسوان قصیده‌ی کوتاهی از شاعری به نام پروین منتشر می‌شود و هیچ توضیح دیگری در مورد سراینده‌ی آن نمی‌آید. به نظر می‌رسد به خاطر لحن تند این شعر و اعتراضات فمینیستی مندرج در آن که با جو حاکم آن روزگار سازگاری ندارد، هیئت تحریریه‌ی مجله از ذکر نام شاعر به صورت صریح پرهیز کرده‌اند. این قصیده‌ی کوتاه با عنوان «باز ایستاده‌ایم» با مضمون تأکید بر برابری حقوق زن و مرد، انتقاد از جهل، سادگی و نادانی زنان، انتقاد از تحقیر زنان توسط مردان، انتقاد از خشونت مردان علیه زنان و توصیه به علم آموزی به چاپ رسیده است.

| | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| زان دم که پا به شارع هستی نهاده‌ایم | گامی دو راه رفته و گامی ستاده‌ایم |
| بنیان آفرینش ما مرد و زن یکی است | در شاهراه علم چرا ما پیاده‌ایم؟ |
| ما را خدا مگر نه سر و عقل و هوش داد | در پشت سر فتاده چرا چون و ساده‌ایم |
| در زیر پای خویش شدستیم پایمال | با دست خود حقوق خود از دست داده‌ایم |
| ... | ... |
| هر طایر ضعیف شود شاهبازمان | از بس که چون کبوتر و گنجشک ساده‌ایم |
| ... | ... |

(حسینی، پاییز ۱۳۸۹، ص ۸ و ۹)

این شاهدها و نشانه‌ها که در دیوان این شاعر بلند آوازه کم نیست، خود دلیلی بر رد ادعای مردانه بودن شعرهای پروین است.

از سوی دیگر «مردانه» اطلاق کردن «زنی» (در مورد پروین) نوعی تحقیر و سرکوب کردن اندیشه‌های زنان است و اینکه زنی متفکر بوده بنابراین مرد است نظریات جامعه‌ی مردسالار است و اصولاً چنین

رده‌بندی‌ای با وجود بزرگانی چون پروین اعتصامی در طول تاریخ که تعداد آنها کم هم نبوده است منطقی نیست.

اما بی‌گمان می‌توان اظهار داشت که اگر چه زبان زنانه در شعر او متصور است ولی پروین سعی داشته که جنسیت خود را پنهان کند و به عبارت دیگر زنانگی خود را سرکوب کند و در پشت ابیات غیرجنسی خود پنهان شود تا تسلیم آن عقایدی که در طول تاریخ تلاش کرده‌اند از زنان مرد بسازند نشود.

«به کارگیری نام حیوانات، پرندگان، جانوران و گل و گیاه در شعر پروین در کنار نام اشیاء خانگی بیشتر می‌تواند نشانه‌ی همان گریز از پرداختن به روابط انسانی یا زندگی زیسته شاعر باشد تا مبادا «من» شخصی و خصوصی شاعر برملا شود؛ نکته‌ای که اخوان ثالث در مورد پروین اعتصامی به درستی بر آن انگشت گذارد...» (قدمیاری، ۱۳۸۸، ص ۲۶۸).

بسیاری از اشعار او نشان می‌دهد که او از ابراز احساسات درونی که مخصوص روح حساس و شکننده‌ی شاعر بوده خودداری کرده و این پنهان‌کاری را هنر خویش دانسته است:

کس ندانست که من می‌سوزم سوختن، هیچ نگفتن هنر است
(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸، قطعه‌ی: شاهد و شمع)

صفحه‌ی روی زانظار نهان می‌دارم تا نخوانند بر این صفحه پریشانی من
(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۷، قطعه‌ی: در تعزیت پدر)

همچنین در بعضی اشعارش می‌توان حکایت دل او را از لابه‌لای ابیاتش دریافت و مهارت ظرافت پنهان‌شدنش را حس کرد:

در این دو روزه‌ی هستی همین فضیلت ماست که جور می‌کند ایام و ما شکیباییم
(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸)

بدیهی است که پروین چونان زنان دیگر از احساسات زنانه برخوردار بوده است، او با وجود این که تا زنده بود سعادت مادر شدن را نیافت اما احساسات زنانه‌ی خود را در زندگی مادران در شعر خود به زیبایی به تصویر کشیده است. داستان به نیل انداختن حضرت موسی (ع) به وسیله‌ی مادرش در مثنوی «لطف حق» پروین (دیوان، نیک فرجام، ص ۳۲۹) به زیباترین شکل ساخته و پرداخته شده است و این شاید به این خاطر است که تا شاعری زن نباشد نمی‌تواند التهاب درون یک مادر را که بر ساحل رودی خروشان ایستاده و بازی امواج را با سبیدی کوچک که جگر گوشه‌ی او را به بازی گرفته است، در قالب شعر بریزد و این را می‌توان نشانه‌ی ناخودآگاه از نیازهای خفته و به ظهور نرسیده‌ی مهر مادری او دانست.

«بی گمان یکی از مهم ترین عوامل درونی که گرایش به اندرز را در پروین تشدید کرد شخصیت درون گرای او بود که به سبب سرکوب کردن نهاد که سرچشمه‌ی تمایلات است توسط «من» و «فرامن» سرکوب کننده و اختفاء روانی دارای شخصیتی بود که به خواست پدر عمل می کرد و روش او را اقتباس می کرد و به رغم تجربه نکردن مادری، تصور مادر بودن و تجربه داشتن چنان بر او چیره شد که تمام سروده هایش سرشار از حس مادری است که در روان شناسی «یونگ» به سنخ «مام بزرگ» مشهور است.» (کراچی، ۱۳۸۳، ص ۵۶)

انزوی مرغ شکیبا

کنج قفس چون نیک بیندیشی چون گلشن است مرغ شکیبا را
(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۱۹)

یکی از اشعاری که به روشنی نشان می دهد که شخصیت واقعی شاعر در پس ظاهر آرام و موقرش پنهان شده است مثنوی «جولای خداست» که در این شعر، شاعر عنکبوت را به سیمایی درخور توجه تبدیل کرده است و در میانه‌ی شعر، خواننده درمی یابد که شخصیت عنکبوت و شاعر برهم منطبق می شوند.

| | |
|---|--|
| گرچه اندر کنج عزلت ساکنم گر درد این پرده چرخ پرده در ما که عمری پرده داری کرده ایم ما نمی ترسیم از تقدیر و بخت تو ندیدی پرده‌ی دیوار را | شور و غوغایست اندر باطنم رخت بریندم روم جای دگر در حوادث بردباری کرده ایم آگهیم از عمق این گرداب سخت چون بینی پرده‌ی اسرار را؟ |
|---|--|

(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۸)

پروین در بیان حال و احوال عنکبوت، حال و احوال خود را نشان می دهد، زنی «پشت در افتاده اما پیش بین» که «گرچه اندر کنج عزلت ساکن» است، «شور و غوغایی اندر باطن» دارد.

این پنهان کاری، انزوا و گریز از نقشهای جنسیتی می تواند دو علت داشته باشد: بخشی مربوط به شرایط اجتماعی آن روزگار و بخشی مربوط به شرایط خود شاعر و وابستگی او به خانواده و ارتباط با اقوام نزدیکش می باشد.

«در جامعه‌ی سنتی ایران زن با توجه به جنسیت خود باید مطیع، کم حرف و گوشه گیر باشد و این سرنوشت را با بار جهالتی اجباری به ناچار مظلومانه و صبورانه تحمل کند و با ذهنی ایستار و به سنت و گذشته داشته باشد...» (کراچی، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

«از آن جا که هر شاعری چون دیگر چهره‌های هنری هر عصری در محدوده و ضوابط جامعه و فرهنگ دوران خویش جای گرفته است، در چند و چون‌های اجتماعی و سیاسی حضوری گویا و نقش اساسی بر عهده دارد، پروین اعتصامی هم به عنوان یکی از برجسته ترین شاعران معاصر ایران با توجه به جنسیتش و آن جامعه‌ی سنتی هم عصر او خواه ناخواه محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و

سیاسی فراوانی پیش رو داشته است. او در روزگاری به دنیا آمد که محیط اجتماعی ایران آن روز برای شکوفایی استعداد زنی جوان مانند پروین که با تربیتی سنتی بزرگ شده بود چندان سازگاری نداشت، با توجه به شرایط آن روز جامعه اگر چه گویی تنها زنانی که امکان ثبت افکار و اندیشه‌های خویش را داشتند زنان شاعر بودند که قادر بودند با راحت‌ترین وسیله اندیشه‌های خود را به نمایش بگذارند اما طبیعی بود که محدودیت‌های بسیاری در پیش روی آنان باشد بخصوص در مورد پروین که مایل نبود تسلیم فضای جامعه شود.» (دهباشی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۰-۱۳۳)

به نظر می‌رسد آنچه بیش از همه دست و پای این شاعر محجوب را بسته بود آیین‌های قومی و رفتارهای سنتی و تحمیلی بر زنان بود که در بسیاری موارد هر آنچه را می‌خواست بگوید کتمان کرد و همانطور که گفته شد این پنهان‌کاری را هنر خویش می‌دانست.

دلیل دیگر این انزوای او در روابط میان پروین و پدرش جستجو کرد و آن بحث وابستگی بیش از حد به محیط خانه و پدر بود. چنانچه از زندگی نامه پروین برمی‌آید خانه‌ی پدری برای او صومعه‌ای امن بود برای راهبه‌ای که نیاز به آرامش داشت تا در سایه‌ی آن آرامش نغمه‌سرای کند. اگر پروین امنیت خانه‌ی پدری را می‌خواست چاره‌ای جز پذیرفتن «مرغ غزلخوانی» را نداشت که نواهای محبوب پدر را سر می‌داد و اکنون دیوان او شاهدهی بر این مدعاست که او چنین نقشی را پذیرفته بود و تا آخر آن را ایفا کرده بود.

این نکته به وضوح در قطعه‌ای که در تعزیت پدر سروده مشهود است:

من یکی مرغ غزلخوان تو بودم چه فتاد که دگر گوش ندادی به نواخوانی من
(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۷، قطعه: در تعزیت پدر)

نشانه‌های وابستگی به خانه و خانواده به فراوانی در شعرش به صورت اضطراب جدایی و دورافتادن از خانه و کاشانه دیده می‌شود. عناوینی مانند «طفل یتیم»، «بی‌پدر»، «تنهایی»، «اندوه فقر»، «تیره بخت»، «کودک آرزومند» نشان‌دهنده‌ی این است که شاعر جدایی از خانواده بخصوص پدر را خطری نابودکننده می‌بیند در این خصوص در شعری که در تعزیت پدر سروده است می‌گوید:

«گنج خود خواندیم و رفتی و بگذاشتیم ای عجب بعد تو با کیست نگهبانی من؟»
(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۳۶۷)

«زندگی پروین به ظاهر با عشق و احترام به پدری ادامه می‌یابد که قدر قدرت است و شاید مهربان ولی در ضمن نه اجازه می‌دهد که پروین پیش از ازدواج اشعارش را به نام خود منتشر کند (بنابراین همه تصور می‌کنند این اشعار را مردی سروده است) و نه اجازه می‌دهد که پروین به دلخواه خود ازدواج کند یا نکند...» (قدمیاری، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷)

بنابراین چنانچه از شرح حال او برمی آید گویی پروین تکرار کننده‌ی حرفهای پدرش بود، به عبارت دیگر او اندیشه‌های پدر را به نظم می کشید، شاید هم به همین علت است که در برخی موارد، امر مشتبّه شده و گفته‌اند که شعر او مردانه است. در اینجا شاعر، دختری است که پدر را کاملاً قبول دارد و نصایح پدر را در شعر بازمی تاباند و این در صورتی امکان پذیر است که به صورت ناخود آگاه یکی از طرفین جنسیت خود را نادیده بگیرد تا بتواند تمام و کمال اندیشه‌های جنس مخالف را به صحت بازتاباند و این پروین بود که به علت رابطه‌ی مرید و مرادی که با پدر داشت خواسته یا ناخواسته مانند یک تارک دنیا عمل کرد و شعر «غیرجنسی» گفت.

از سوی دیگر وابستگی افراطی به پدر شاید یکی از دلایل شکست پروین در زندگی زناشویی اش باشد که اگرچه تا کنون هر چه شنیده و خوانده شده علت این شکست بی‌لیاقتی و لابلایی گری همسرش بود اما ممکن است علل دیگری هم مانند دلیل مذکور وجود داشته باشد که تذکره نویسان بدان اشاره‌ای نکرده و یا شاید نخواسته‌اند که در زندگی خصوصی شاعر محجوب و موقر، دقیق شوند اما به احتمال زیاد پروین در برابر هر آنچه که خلوتش را برهم می زد مقاومت می کرد بنابراین جدایی از پدری که برایش اسطوره بود برای او مصیبتی به حساب می آمد و از طرفی پذیرش مردی دیگر درخور این بود که با ترازوی پدر سنجیده شود و به عبارتی پروین پذیرش هر مردی را در زندگی خود با پدرش مقایسه می کرد و قبول چنین شخصی بسیار مشکل می نمود. از سوی دیگر نگرش پروین به نیازهای جسمی و دنیایی چنان که از اشعارش پیداست نشان می دهد که احتمالاً او اصلاً بخش زنانه و جسمی خود را نمی پذیرفته است.

بار و بال است تن بی تمیز روح چرا می کشد این بار را

(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۲۱)

جان به تو هر چند دهد منعم است تن ز تو هر چند ستاند گداست

(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۳۳)

تن بدخواه ز تو لقمه همی خواهد چه همی یاد دهی حکمت لقمانش

(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۷۰)

تو بلند آوازه بودی ای روان با تن دون یار گشتی دون شدی

صحبت تن تا توانست از تو کاست تو چنان پنداشتی کافزون شدی

گنج امکانی و دل گنجور توست در تن ویرانه زان مدفون شدی

(اعتصامی، ۱۳۸۸، ص ۹۰)

بنابراین پروین ماسک غیر شخصی و غیر جنسی به صورت زد و در پس آن شعر سرود و آن چه در شعر او به شدت احساس می شود تنهایی انسانی است که احساسات خود را بخصوص جنسیت خود

را سرکوب می کند تا معصوم و پاک باشد انسانی خیر و اخلاقی، یک «مادر ترزای ایرانی»! نه در پشت دیوارهای صومعه بلکه در پشت دیوارهای خانه‌ی پدری، در این خانه، اشیا هستند که با هم مناظره می کنند و شاعر، ترجمان گفتگوی اشیا با یکدیگر است.

نتیجه گیری

از آنجا که زبان شعر، بازتاب دهنده‌ی ذهنیت و اندیشه‌ی شاعر است، بررسی اشعار پروین اعتصامی، دایره‌ی واژگان، اصطلاحات و ترکیبات، جدا از تاثیر ارزش های فرهنگی، محیط خانواده و اجتماع، نشان می دهد که جنسیت در اشعار پروین اعتصامی نمود چندانی نداشته است و اثری از واژه های احساسی - عاطفی زنانه در حوزه‌ی واژه های جنسیتی دیده نمی شود. در دیوان این شاعر، اشیا هستند که سخن می گویند، آن هم با ضمیر سوم شخص که در زبان فارسی جنسیت ندارد و فقط پناهگاه شاعری تنها و منزوی هستند. بنابراین می توان گفت که شعر پروین "فراجنسیتی" یا "غیرجنسی" است.

منابع

- اعتصامی، پروین (۱۳۷۲). دیوان پروین اعتصامی (به سعی و اهتمام اسماعیل شاهرودی). تهران: فخر رازی.
- اعتصامی، پروین (۱۳۸۸). دیوان پروین اعتصامی با مقدمه ملک الشعرا ی بهار. تهران: نیک فرجام
- چاووش اکبری، رحیم (۱۳۸۷). حکیم بانوی شعر فارسی. تهران: ثالث
- حسینی، مریم (۱۳۸۹). شعر فمینیستی نویافته ای از پروین اعتصامی. زن در فرهنگ و هنر، (شماره ی ۱)
- داوران، فرشته (۱۳۶۸). شعر غیر شخصی پروین اعتصامی، ایران شناسی، (شماره ی ۲)
- دهباشی، علی (۱۳۷۰). یادنامه پروین اعتصامی. تهران: دنیای مادر
- صبور، داریوش (۱۳۸۳). بر کران بی کران. تهران: سخن
- فیضی، کریم (۱۳۸۳). راز پروین. قم: مطبوعات دینی
- قدمیاری، مجید (۱۳۸۸). معجزه ی پروین. تهران: سخن
- کراچی، روح انگیز (۱۳۸۳). پروین اعتصامی همراه با کتاب شناسی توصیفی. تهران: داستان سرا

Sexuality in Parvin E'tesami Poems

* M. Sadat Hosseiny

Abstract

Parvin E'tesami who was known as "a feminine who versified alike a male" among wo/men literary; a poet whose works mostly composed on morality. Since Parvin's poems were full of words and expressions that reflected the femininity aspects associated with woman poem style could not be considered as masculine poems. In other hand lack of words such as amour, sweetheart, kiss... that could exhibit a young female behavior demonstrated the behavioral and emotional differences between her and other women poets. It was so obvious that Parvin possessed strong feminine emotions but she had avoided to show her feelings because of abiding by traditional formalities. However it can be concluded that her verse did not show sexuality. And what her poems showed was an alone woman that suppressed and hid her feelings.

Keywords: Parvin E'tesami, sexuality, verse.

* M. A. in Persian Language and literature, Teacher of High School in Firouzkooh, Tehran(corresponding author, email: mahnaz_s_hosseiny@yahoo.com)